دغدغه‌هایی از جنس اشتغال

سیاست کشورهای مختلف در قبال اشتغال مادران

شهر فرنگ

مریم سادات کاظمی*| انتظاری که جامعه از حضور اجتماعی بانوان دارد و وظایفی که عرف هر جامعه‌ای آن را فقط و فقط از بانوانش می‌خواهد گاه زنان را حجم سنگینی از وظایف و مسولیت‌ها در زندگی حرفه‌ای و خصوصی روبه‌رو می‌کند که به‌طور مستقیم کیفیت زندگی آن‌ها را شانه‌اش می‌گیرد. این مسئله‌ای است که در برخی جوامع توسعه یافته بسیار جدی تلقی شده و سیاست مداران را وادار به برنامه‌ریزی‌های چندبعدی در سیاست‌های کلان جامعه کرده است تا بانوان شاغل به ویژه اگر مادر هم باشند بتوانند با استرس کمتر و انرژی بیشتری در محیط کار و منزل فعالیت داشته باشند.

انعطاف‌پذیری در ساعات کاری

رسید گی به امور فرزندان از مهم ترین دغدغه های بانوان شاغل است که دولت پرتغال با درک این موضوع و به منظور افزایش بهره‌وری نیروی کارخود، راه‌چند تصمیم ساده به خوبی مدیریت کرده است. کارگران و کارمندانی در این کشور که فرزند کمتر از ۱۲ سال دارند یا فرزند آن‌ها مبتلا به بیماری مزمن یا معلولیتی باشد، می توانند در صورت تمایل به طور نیمه وقت کار کنند یا ساعت کاری خود را با توجه به شرایطی که دارند، تغییر دهند. در واقع، این کارفرمایان هستند که باید با شرایط نیروی کار هماهنگ باشند. همچنین در صورت داشتن فرزند کمتر از ۳سال هم، نه تنها مادران بلکه پدران نیز می توانند درصورت تمایل به دور کاری در منزل بپردازند. نمونه دیگر این انعطاف پذیری در قوانین کار را می توان در کشور هلند دید. اگر نیروی کاری بیش از یک سال در مجموعه‌ای با بیش از ۱۰ نفر مشغول به کار باشد، می تواند با توجه به شرایط زندگی خود ساعت های کار اداری اش را کم یا زیاد کند. همچنین درصورتی که مجموعه دارای چندین شعبه باشد، کارمند یا کارگر می تواند با توجه به شرایط و محل سکونت خود، محل کارش را نیز تغییر دهد. در این حالت اگر مشکل خاصی وجود نداشته باشد کارفرما ملزم به پذیرش این درخواست خواهد بود. مشابه چنین تصمیماتی در کشورهای دانمارک و سوئد نیز برای اشتغال مادران اجرامی شود.

تساوی حقوق مردان و زنان

با وجود تخصص و تلاش بالای بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی ، هنوز هم در بسیاری از جوامع با نابرابری در حقوق زن و مرد روبه رو هستیم. پرداخت حقوق و مزایا یکی از مهم ترین نابرابری های جنسیتی در این جوامع حتی کشورهای پیشرفته است. البته تلاش های زیادی برای کاهش این فاصله انجام شده که تاحد زیادی هم موفقیت آمیز بوده است واکنون اختلاف حقوق زن و مرد در کشورهایی مانند ایتالیا، لوکزامبورگ و رومانی کمتر از ۶%است. حال آنکه در برخی کشورهای پیشرفته دنیا نظیر آلمان ، انگلستان و بلژیک این تفاوت مزایا تا بیش از ۲۰ %هم دیده می شود.

مرخصی طولانی مدت زایمان

نروژ در مرخصی زایمان با حقوق، حرف اول را در دنیا می زند که بدون شک یکی از بهترین سیاست های تشویقی اشتغال برای بانوان خواهد بود. والدین نروژی می توانند پس از تولد فرزند خود، ۴۹ هفته مرخصی با حقوق کامل یا ۵۹ هفته مرخصی با ۸۰% حقوق داشته باشند. برخورداری از این مزیت نه تنها نگرانی بانوان را به موفقیت شغلی و حقوق خود برطرف می کند، بلکه حضور همسرانشان نیز تأثیر مطلوبی در بهبود وضعیت جسمی و روحی شان خواهد داشت. از طرفی کمک به نگهداری نوزاد و بازگشت سریع تر مادر به فعالیت های حرفه‌ای هم خواهد بود. همچنین خدمات مطلوب در مراکز نگهداری کودکان نیز مزیت دیگری برای اشتغال بانوان محسوب می شود. اکنون ۸۳%مادران نروژی که فرزند کوچک دارند، شاغل هستند. در نروژ ۹۰%هزینه های مهد کودک ها از سن یک تا پنج سالگی کودک را دولت یا یارانه تأمین می کند.

درخواست خدمت پس از ساعت مقرر

بسیاری از افراد شاغل تمام ، پیغام و ایمیل های کارفرمای خود پس از بازگشت به منزل را عامل نگرانی و استرسشان می دانند که می تواند آن ها را همچنان با دغدغه های محل کار مرتبط کند. درخواست چنین خدماتی از خانه های شاغل اهمیت بیشتری دارد، زیرا فرصت محدود رسیدگی به امور منزل و زمان استراحت را بیشتر از آن ها می گیرد. فرانسه تعادل بین زندگی حرفه ای و خصوصی را برای نیروی کار خود یک حق مسلم می داند و کارفرمایان را موظف کرده است که پس از اتمام ساعت کاری و با ارسال پیام یا تماس تلفنی ، درخواستی از کارمند یا کارگر خود نداشته باشند. این قانون در ایتالیا نیز اجرامی شود.

*مترجم

زندگی با همه فراز و نشیبش

چند می‌می کتاب

«مادر بودن شاید پیچیده ترین، توان فرساترین، عاطفی ترین، مشکل ترین و در عین حال شگفت انگیزترین حادثه زندگی هر زنی باشد. اگر به نقش مادری، نقش یک زن فعال و شاغل را هم بیفزا یم، سختی و عظمت «مادری شاغل» بودن خود را بیشتر نمایان خواهد کرد.»

مقدمه کتاب «راهنمای مادران شاغل» با چند جمله کلیدی در وصف مادران شروع می شود و پرسش هایی را مطرح می کند که همه مادران شاغل در دوراهی ماندن در خانه و مراقبت از فرزندانشان و برگشتن به محیط کار بعد از پایان مرخصی زایمان و ادامه فعالیت های اجتماعی شان با آن روبه رو بوده اند. این کتاب را که کارول اسمیلی و ایلین فارسلند آن را نوشته اند و فریبا مقدم هم کار ترجمه آن را انجام داده است باید یکی از موفق ترین کتاب های نوشته شده در این حوزه دانست که توانسته به خیلی از پرسش های مادران شاغل پاسخ بدهد.

ضرورت شاغل بودن مادران در جامعه امروزی، نحوه مدیریت زمان، شیوه برنامه ریزی برای تربیت فرزند، نگهداری از کودک در مواقعی که مادر در خانه حضور ندارد، ایجاد نظم در خانه، نحوه مدیریت هزینه ها، چگونگی روابط بین زن و شوهر و ایجاد همکاری بین پدر و مادر در تربیت کودک، نگهداری از کودک بدون حضور همسر یعنی تنها سرپرست خانواده بودن، ایجاد خانواده ای شاد و وقت اختصاص دادن و دوست بودن مادر با خودش از مهم ترین موضوعاتی است که نویسندگان این کتاب قصد پاسخگوی به آن را داشته اند و باعث شده است تا ما هم خواندنش را به شما توصیه کنیم.

این کتاب را انتشارات صابرین در قطع رقعی و در ۱۵۶ صفحه به قیمت ۱۱ هزار تومان (آخرین چاپ) منتشر کرده است.

شهیندخت مولاوردی
معاون ساق رئیس جمهور در امور زنان و خانواده:

ایجاد مهدکودک در محل کار یا همجواری آن در اداراتی که قانون مرخصی زایمان ۹ ماهه در آن هارعایت نمی شود، می تواند کمک حالی برای این مادران باشد.

مادرانه‌های یک بانوی شاغل

پرونده ای درباره مشکلات و دغدغه های مادران شاغل در جامعه

سمیرا منشادی| در سال های اخیر و با حمایت بیشتر از اشتغال بانوان در عرصه های اجتماعی بیش از هر زمان دیگری شاهد نزاع های سلیقه‌ای درباره این موضوع بوده ایم. مسئله ای که با بحث مادرشدن بانوان وارد مرحله دیگری از کشمکش ها می شود و هریک از مخالفان و موافقان آن هم با دلایلی که مطرح می کنند به صورت تک بعدی، خود را در سیاست گذاری های پیش رو برای این موضوع محق تر از دیگران می دانند. درحالی که مسئله اشتغال مادران هم مانند هر موضوع دیگری مزایا و معایبی دارد که تنها با دیدن آن ها درکنار هم می توان قضاوت منصفانه تری از مسئله داشت. شما از یک طرف با هویتی حقیقی روبه رو هستید که تمام هم و غم نوجوانی و جوانی آن فرد صرف رسیدن به یک موقعیت اجتماعی و جنگیدن با موانع سر راه برای اثبات خودش به جامعه بوده است و از طرفی با هویتی حقوقی به نام مادر که فطری وظایف و کنش هایی نسبت به تعهداتش دارد و نمی تواند به راحتی و به تنهایی جمع بندی از شرایط موجود داشته باشد. این موضوعی است که ماهم آن را با دکتر زهره معینی، روان شناس و مشاوره خانواده که خود نیز شرایط اشتغال و مادری را به طور هم زمان تجربه کرده است، در میان گذاشتیم تا خوب و بد این مسئله را بدون هرگونه قضاوت و پیش داوری بررسی کنیم.

محاسن شاغل بودن مادران

۱ استقلال و مسئولیت پذیری

اشتغال بانوان نه تنها آن ها را، که فرزندانشان را هم مستقل تر و مسئولیت پذیرتر بار می آورد. به عبارتی فرزندان این مادران بیشتر از هم سن وسال های خودشان توانایی ایستادن روی پای خود دارند. نبودن مادر در ساعت هایی از روز باعث می شود تا کودک احساس خودتکایی بیشتری داشته باشد و در نتیجه میزان اعتماد به نفسش هم بیشتر شود. به طور مثال این کودکان خودشان تکالیفشان را انجام می دهند و حتی والدین از آن ها انتظار بیشتری برای همکاری و تعامل در کارهای خانه دارند مانند اینکه از خواهر یا برادر کوچک تر خود مراقبت کنند یا در تهیه شام مادر را یاری برسانند. در نتیجه ما شاهد مسئولیت پذیری بیشتری در این فرزندان هستیم.

۲ داشتن یک الگوی مناسب

هنگامی که مادری شاغل است این الگوی ذهنی از همان دوران کودکی در فرزند او شکل می گیرد که بانوان هم می توانند پایه پای مردان کار کنند و مفید باشند. این موضوع حتی بر روی نگرش آن ها به تساوی حقوق زن و مرد هم کمک شایانی می کند و اینکه پسرهای چنین مادرانی، خودشان هم در آینده کمک حال بهتری برای همسرانشان خواهند بود و میزان تنش و اضطراب کاری که بر سر ادامه تحصیل و حق کار با همسرانشان خواهند داشت به مراتب کمتر خواهد بود. در ضمن، بررسی ها نشان می دهد فرزندان مادران شاغلی که شغل مادر خود را ارزشمند می دانند، احساس غرور و اعتماد به نفس بیشتری به نسبت دیگر بچه ها دارند.

۳ نظم و برنامه ریزی بیشتر

بزرگ ترین ایرادی که به مادران شاغل وارد می شود این است که زمان کمتری را با فرزندانشان سپری می کنند. این درحالی است که نتایج پژوهش هانشان می دهد این مادران برای زندگی شان برنامه ریزی دقیق تری دارند. همچنین کیفیت و نوع برقراری ارتباط این مادران با فرزندانشان به مراتب بهتر و با برنامه تر از مادران خانه دار است. چرا که مادران شاغل به دلیل حضور فعال تری که در متن جامعه دارند و با مشکلات و معضلات آن بیشتر از مادران خانه دار آشنا و آگاه هستند بهتر می توانند آسیب های رفتاری فرزندانشان را شناسایی و با به کارگیری راهکارهای منطقی آن ها را رفع کنند. در ضمن، میزان کمک گیری از ظرفیت و توان های مشاوره ای هم در این مادران به مراتب بیشتر است.

۴ حس مفید بودن

حس مفید بودن و کارآمدی در یک زن با اشتغال او پس از سال ها تحصیل رابطه مستقیم دارد و بر اعتماد به نفس و عزت نفس او تأثیر می گذارد. این امر همچنین می تواند از نظر روحی کمک زیادی به او در پیشگیری از آسیب های روحی بکند .

۵ کمک به اقتصاد

شاغل بودن یک زن کمک خرجی برای خانه است و بار مالی و فشار اقتصادی کمتری را به مرد وارد می کند. به عبارت دیگر کار هم زمان هر دو، شرایط بهتر و رفاه بیشتری را برای اعضای خانواده فراهم می کند.

۶ استقلال مالی

در دوران پیری، فوت همسر یا عهده دار شدن مسئولیت سرپرستی خانه، زن استقلال مالی خواهد داشت و به اطرافیانش وابسته نخواهد بود. همچنین این استقلال مالی مهم ترین دستاوردی که دارد پیشگیری از افسردگی روحی در او خواهد بود.

۷ رضایت از خود

هنگامی کمترنی شاغل است می تواند هزینه بیشتری برای زیبایی ظاهری، لباس و تفریح بخش داشته باشد. این موضوع نوعی حس رضایت از خود و وابسته نبودن به همسر است که به رشد شخصیتی او کمک زیادی می کند.

۸ به روز بودن

به روز بودن زنان شاغل و درکی که از فضای جامعه دارند باعث می شود به لحاظ فکری به همسرانشان نزدیک تر باشند و اختلاف نسلی و اطلاعاتی کمتری را با بچه هایشان احساس کنند.

۱۸
استرس مزمن در بین مادرانی که یک فرزند دارند و تمام وقت کار می کنند ۱۸درصد بیشتر است.

۶۰
درسال های اخیر حضور بانوان در استانداری ها رشد ۶۰درصدی و در وزارتخانه ها رشد ۱۶درصدی داشته است.

۳
نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی در کشور حدود ۳۴ درصد است و سهم زنان سه برابر بیشتر از مردان است.

۲
میزان موفقیت زنان در اجرای طرح های اشتغال زایی و کارآفرینی در مناطق روستایی ۲برابر بیشتر از مردان است.

معایب شاغل بودن مادران

احساس کم کاری در مادر

درحالی که مادران شاغل مجبورند بخشی از وقتشان را در بیرون از منزل و با کار کردن بگذارند یا هنگامی که در خانه هستند به امور خانه و کارهای عقب افتاده شان رسیدگی کنند، مادران خانه دار این وقت را بیشتر صرف بودن کنار فرزندانشان می کنند، همین امر باعث می شود مادران شاغل مدام در حال مقایسه خودشان با مادران خانه دار باشند و از اینکه نتوانسته اند وظایف مادری شان را به درستی و به طور کامل انجام بدهند، احساس گناه بیشتری نسبت به بچه هایشان داشته باشند. همچنین مطالعات میدانی نشان می دهد که این مسئله به شدت بر اعتماد به نفس این مادران تأثیر گذاشته و باعث شده است تا نگرش مثبتی هم نسبت به خود نداشته باشند و باعاطفه کارشان را دنبال نکنند. از این رو میزان کارایی که دارند کاهش پیدا کند.

تعدد وظایف و خستگی روحی

مادران خانه دار تمام وقت خود را در منزل مشغول به رتق و فتق امور خانه و بچه ها هستند، درحالی که بانوان شاغل تعدد وظایف بی شماری را تجربه می کنند. به عبارت ساده تر افزون بر تمام مسئولیت هایی که یک مادر خانه دار برعهده دارد، وظایف حرفه ای یک مرد را هم در خارج از خانه دارند. رسیدگی به همه این امور و وظایف به ویژه در شرایطی که همسر هم در امور خانه و فرزندان به آن ها کمکی نمی کند، کاری سخت و طاقت فرساست و می تواند موجب ایجاد فشار روانی در آن ها شود. این فشار روانی مستمر به مرور از میزان انرژی و صبر و تحمل آن ها می کاهد. به گونه ای که همیشه خسته از محل کار به منزل برمی گردند و تحمل کوچک ترین خطای فرزندانشان را هم ندارند و گاهی شاهد برخوردهای تندی در این باره هستیم.

دوگانگی در تربیت فرزندان

در طول زمان حضور در محل کار، مادران شاغل مجبور هستند که فرزند یا فرزندان خود را به مهد کودک یا به افرادی بگیرند از فامیل مانند خاله یا مادربزرگ بسپارند. این اتفاق یک دوگانگی رفتاری را تربیتی را برای بچه ها رقم می زند که با الگوهای تربیتی مادر و اید ه ها و روش هایی که به شخصه خودش برای تربیت بچه اش در نظر دارد، کاملا متفاوت است. در ضمن مادران خانه دار فرصت بیشتری برای استراحت و رسیدگی به امور شخصی خود دارند، درحالی که مادران شاغل ترجیح می دهند اگر زمان فراغتی هم به دست می آورند کم کاری هایشان را درقبال بچه ها جبران کنند، بنابراین وقت کمتری برای خود می گذارند که می تواند موجب خستگی مضاعف در آن ها شود به ویژه اگر افراد درون گرایی هم باشند.

پیشنهادهای کارگشا و دوطرفه

کارفرمایان و دولت

حذف بانوان از چرخه اقتصادی جامعه و فعالیت های اجتماعی غیر ممکن است. حتی برخلاف افتادن چنین اتفاقی باز هم ما مشغالی را داریم که اختصاصی ویژه بانوان هستند و این یعنی اینکه در هر صورت دولت و کارفرماها باید تدابیر لازم را برای این موضوع بیندیشند. این مسئله نه تنها کمکی به رفع مشکلات مادران و تحکیم بنیاد خانواده ها خواهد بود، بلکه بر رسی های میدانی نشان می دهد تأثیر مستقیمی هم بر میزان کارایی زنان شاغل دارد و حتی کارایی همسران آن ها را هم در محیط کار افزایش خواهد داد. بنابراین هزینه کرد در این زمینه فقط نوعی سرمایه گذاری در جامعه است. به طور مثال کار کردن نباید هیچ لطمه ایی به وظایف اصلی اش وارد کند.

نمی دانند زن شاغل کسی است که هر اتفاقی در خانه و زندگی اش بیفتد روز بعد باید بر انرژی و سرحال سر ساعت مشخص سر کارش باشد، چون مدیرانش لطفی می کنند و به او حقوق می دهند.

نمی دانند زن شاغل کسی است که همیشه کارت بانکی اش دست شوهرش است و برای ریال به ریال آنچه به دست می آورد و خرج می کند باید صورت حساب بنویسد و الا شوهرش با کارکردنش مخالفت می کند. بهترین هدیه را باید برای دوست و فامیل بگیرد، بهترین لباس را بپوشد و حتما صاحب خانه و شاید هم ماشین باشد و الا چه دلیلی دارد که اصلا کار کند. این سرنوشت زنی است که به هزاران دلیل کار می کند. کاش دیگران بیشتر می دانستند...

مادران شاغل و همسرانشان

رفع مشکلات مادران شاغل تنها وابسته به سیاست هایی نیست که دولت یا کارفرمایان برای این موضوع می اندیشند. لازم است که مادران هم برای کاهش مشکلات و تنش هایی که در این باره دارند، فکری بکنند. همراهی همسران این زنان هم بی تأثیر نخواهد بود و لازم است که برای این منظور متناسب با شرایط زندگی برنامه ریزی هایی داشت:

- افزودن بر کیفیت ارتباط با فرزند به جای کمیت این ارتباط
- تقسیم کارهای منزل و تربیت فرزند بین زن و شوهر
- سپردن بچه ها به بستگان نزدیک نظیر مادربزرگ به جای پرستار
- اختصاص دادن بخشی از زمان حضور در منزل به فعالیت های شخصی
- واگذاری بخشی از کارهای منزل به افراد غیر

معصومه ابتکار
معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده:

براساس آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان دارای مدرک کارشناسی ارشد، دکترا و بالاتر بیشتر از نرخ کلی بیکاری در میان زنان است.

سهم اشتغال زنان از جمعیت فعال کشور درسال های اخیر

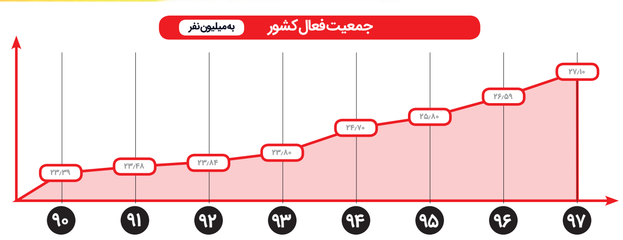

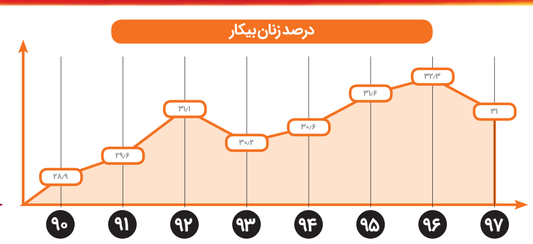

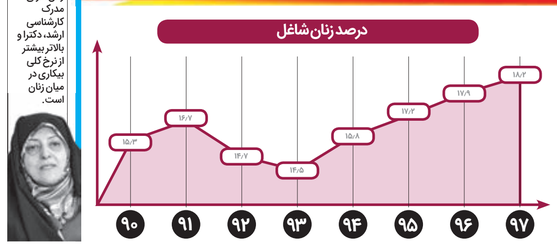

یادداشت‌های مادرانه

«دوست گفته چون نیم کیلو کرد را نیست» ما اگر ساعت ها و سطرها هم کرد به درباره مشکلات و دغدغه های مادران شاغل بگوییم، به اندازه ای که خود این بانوان چند جمله ای در وصف اوضاع و احوال خودشان بگویند، نمی ارزد حق مطلب را هم ادا نمی کند، برای همین به سراغ تعدادی از بانوان شاغل در همسایگی خودمان رفتیم و از آن ها خواستیم فارغ از جایگاه اجتماعی که دارند چند سطری از تجربیات و مشکلات خود در نقش یک مادر شاغل برایمان بگویند یا بنویسند.

آن ها نمی دانند چه می کنی

ریحانه حشمتی، کارمند امروز | «در روش خودم را کشته و ببر روش مردم را.» این وصف حال و روز من است یا بهتر بگویم ما بانوان شاغل. ظاهر زیبا و دهان پر کنی که تنها کار ایی اش آن است که با آن هر کجا می روی فقط بگویی که دستم توی جیب خودم است و هر لحظه هر چه را بخواهم می خرم. منت شوهرم را هم نمی کشم و از تحصیلاتم استفاده می کنم یا در مهمانی ها هر جا که زن خانه دار دوست و آشنایی خواست حسودی کند یا به حال خودش افسوس بخورد یا دو تا بیفتد و این ویژگی منحصر به فردت را توی سرش بزند.

آن ها که می گویند: خوش به حالت که کار می کنی، به طور حتم نمی دانند زن شاغل کسی است که بر اساس یک قانون نانوشته قرار است هم زن باشد، هم همسر، هم مادر، هم دختر، هم کارمند و هم های دیگر و جایی هم کم نگذارد. نمی دانند که گاهی چنان عرصه بر آدمی تنگ می شود که از همه این مسئولیت ها خسته است.

نمی دانند زن شاغل کسی است که باید شب ها برای روز بعد آشپزی کند، بدون لحظه ایی استراحت خودش را به مهمانی ها برساند. کارهای خانه و مهمان داری اش را به خوبی یک خانم خانه دار انجام دهد. تا دیروقت کنار مهمانانش بنشیند، هی جای بریز و هی پذیرایی کند درحالی که نگران ساعت بیدار شدن روز بعدش است. البته که بچه داری اش هم باید خوب باشد، چون کار کردن نباید هیچ لطمه ایی به وظایف اصلی اش وارد کند.

نمی دانند زن شاغل کسی است که هر اتفاقی در خانه و زندگی اش بیفتد روز بعد باید بر انرژی و سرحال سر ساعت مشخص سر کارش باشد، چون مدیرانش لطفی می کنند و به او حقوق می دهند.

نمی دانند زن شاغل کسی است که همیشه کارت بانکی اش دست شوهرش است و برای ریال به ریال آنچه به دست می آورد و خرج می کند باید صورت حساب بنویسد و الا شوهرش با کارکردنش مخالفت می کند. بهترین هدیه را باید برای دوست و فامیل بگیرد، بهترین لباس را بپوشد و حتما صاحب خانه و شاید هم ماشین باشد و الا چه دلیلی دارد که اصلا کار کند. این سرنوشت زنی است که به هزاران دلیل کار می کند. کاش دیگران بیشتر می دانستند...

وابسته بودن آزارم می دهد

اکرم پور، کارمند دیروز | هنوز بچه اولم یک سال و سه ماه بیشتر نداشت که متوجه شدم باردارم. آن روزها اوج کارم بود و از نظر اجتماعی موقعیت خوبی داشتم. اما بارداری ام و به دنبال آن نگهداری از دو بچه تمام آینده ام را تحت الشعاع خودش قرار داد. با تمام عشقی که به کارم داشتم و حمتی که برای به دست آوردنش کشیده بودم قیدش را زدم و آن را کنار گذاشتم و تمام وقتم را صرف نگهداری از بچه ها کردم. آماده کردن غذا، مرتب کردن خانه، بیماری بچه ها، نظافت منزل و... آن قدر وقتم را می گرفت که گاهی از خودم و خواسته هایم فراموش می کردم. آن سال ها سیر بدن بچه ها به مهد کودک یا گرفتن پرستار خیلی مرسوم نبود و تازه دلم هم نمی آمد.

سال ها گذشت تا اینکه یک روز که برای جلسه انجمن اولیا و مربیان مدرسه دخترم دعوت شده بودم، دوست و همکار قدیمی ام را دیدم. پیشرفت کرده بود و حالا برای خودش برو و بیایی داشت. این موضوع سال های بعد هم تکرار شد و دوستان دیگر م را در رده های بالای اجتماعی دیدم و هر بار داغ دلم تازه شد. مشکلاتم تازه از زمانی شروع شد که شوهرم فوت کرد. آن خدایامرز شغلش آزاد بود و به بیمه اعتقادی نداشت. می گفت در آمدم خوب است چه نیازی به بیمه داریم؟ بیماری اش بیشتر پس انداز مان را زبین برد و بعد از آن هم سختی ها و فشارهای مالی دو برابر شد. بچه ها درس می خواندند، دخترم زمان عروس شدنشان بود و جهیزیه می خواستند و من دستم خالی تر از هر زمانی بود.

آن روز ها با همه سختی اش و با کمک اطرافیانم گذشت ولی همچنان فشار بار مالی را احساس می کنم، چون منبع درآمدی ندارم تا نیازهای شخصی خودم را تأمین کنم چه رسد به خواسته های بچه ها و نوه هایم که به عنوان بزرگ خانواده از من انتظارانی دارند. از هدیه تولد این حرف ها که بگذریم، با رهم سفره انداختن هزینه دارد. در تمام این سال ها هیچ چیز به اندازه وابسته بودنم به دیگران آزارم نداده است و نمی دهد.

شیرازه زندگی از هم پاشیده است

صبا عزیزی | جدا از اینکه قدمش مبارک و خوش یمن بود اما تا کاسه به کوزه می خورد، حرف های تکراری همسرم درست مثل دیواری به ارای هر روز که دخترم بزرگ می شود، جلوی چشمم قد می کشد.

با آنکه از قبل توافق کرده ایم که صبح ها مسئول مهد کودک بردنش او باشد و ظهر ها من سر راه از مهد به خانه بیرمش، خدا نکند یک روز صبح اول وقت، کار اداری برایش پیش بیاید. دوباره سوزن شکوه هایش روی این مسئله که «چرا سر کار می روی؟» «خودم بیمه ات را رد می کنم. در خانه بشین!» «چک ضمانت بدهم که هر ماه حقوقت را خودم می دهم.» «این بچه چه گناهی کرده که صبح زود از خواب ناز بیدار شود.» «برای چند غاز زندگی را به امان خدا رها کردی و...» گیر می کند.

درست است که از ۱۲ سال قبل تر از آنکه تصمیم بچه دار شدن بگیریم کارم را شروع کرده بودم و زمانی که با همسرم ازدواج کرده بودم عالی از تاریخ کارمند بودنم می گذشت اما همچنان که دخترم سه ساله شده است پافشاری دارد که زنی که بچه دارد باید تمام وقتش را در خانه بگذراند.

روز هایی که دخترم مریض می شود، خودم را برای این جمله تکراری که با فته ذهن اطرافیانش است، آماده می کنم که «تو تمام انرژی ات را بیرون از خانه خرج می کنی.» نگاه همسرم به کار کردن خانم ها دو حالت دارد یا تفریح یا مال اندوزی. تنها چیزی که برایش مهم نیست علاقه من به ۱۶ سال فعالیتی است که بهترین سال های عمرم را در آن گذاشته ام. کلا از این حرف کوتاه نمی آید که تمام مادران شاغل باید دور کاری کنند و دسترسی به تمام ابعاد زندگی در محیط خانه و در سیطره خانم خانه باشد.

با این ذهنیت که حقوق خودش و فرزندش پایمال شده است، معتقد است: زن ها محور اصلی خانواده هستند و زنی که خانه دار نیست شیرازه زندگی اش از هم پاشیده است.

جوری با حسرت این جمله را می گوید، انگار هر کس نداند در این ۱۲ سال زندگی غمباد گرفته است. آه می کشد و می گوید: «کار بخشی از زندگی و بچه ثمره زندگی است. بدرو ما در باید کار کنند تا بچه به جایی برسد نه اینکه ما در نگران ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه هر روز باشد.»